

پروفیسور دکتور حوریه مارتی



# نیکی و احسان



دانشيار الفت گورگولو

## شرف و عفت

---





انتشارات ریاست سازمان امور دینی ترکیه: ۱۷۶۵  
کتاب های عمومی: ۴۳۵

مدیر مسئول  
فاتح قورت

هماهنگ کننده  
ینوس یوکسل

ویراستار  
پروفسور دکتور حوریه مارتی  
رقیه آیدوغدو دیمیر

مترجم  
صفی الله منتظر

بررسی چاپ  
فاطمه باتکینار

صفحه آرایی  
محمد علی قیرجا  
اوغور آلتونتوپ

چاپ

Salmat Basım Yay. Amb. San. ve Tic. Ltd. Şti  
Tel : +90 312 341 10 24

۲. چاپ، انکارا - ۲۰۲۰  
تصمیم هیئت انتشارات آثار: ۰۵،۰۲،۲۰۲۰/۳۲  
۲۰۲۰.۰۶.Y.۰۰۳.۱۷۶۵  
ISBN ۹۷۸-۶۰۵-۷۷۵۱-۸۰-۵  
شماره گواهینامه: ۱۲۹۳۰

© ریاست سازمان امور دینی ترکیه

ارتباط با ما

مدیریت عمومی انتشارات دینی  
ریاست بخش انتشارات در زبان و لهجه های خارجی  
Dini Yayınlar Genel Müdürlüğü  
Yabancı Dil ve Lehçelerde Yayınlar Daire Başkanlığı  
Üniversiteler Mah. Dumlupınar Bulvarı  
No:147/A 06800 Çankaya/ANKARA  
Tel: +90 312 295 72 72 81  
Faks: +90 312 284 72 88  
e-posta: yabancidiller@diyanet.gov.tr  
www.diyanet.gov.tr



شخص که نزد پیامبر دوست داشتنی و بزرگوار اسلام (ص) می‌آمد، دست خالی برنمیگشت هیچ و کسی را از دروازه اش غمگین و ناامید رخصت نمی‌کرد. آن حضرت (ص) بی حد جوانمرد، بزرگوار و درک کننده بود. به دلیل همین اوصاف زیبای پیامبر (ص) بود که مسلمان ها از تقدیم و یاد آوری مشکلات مادی و معنوی خویش به آن جناب شرم و احساس نا راحتی نمی‌کردند. یک روز یک گروه از مردم مدینه به حضور آن حضرت (ص) تشریف آورده و یک مقدار پول کمک خواستند. آن حضرت (ص) ثروتمند و صاحب زندگی مجلل نبودند، به گونه متواضع و عادی زندگی نموده از مال دنیا آنچه در دست داشتند با دیگران یکجا مصرف نمودن را دوست داشتند. به همین لحاظ به همان گروه که در خواست کمک کرده بودند پاسخ منفی ندادند و برایشان با پیشانی باز کمک کردند. این کمک به آنها بلا عوض بود.

آن بزرگوار تمان اموالی که پیشش بود خرج کرده بود. اما هیچگاه در خواست کمک از طرف مردم تمام نمی شد. هدیه های که مردم

به پیامبر (ص) داده بودند تمام شده بود اما درخواست کمک از طرف مردم از آن جناب تمام نشدنی بود. در همین حالت حضرت پیامبر بزرگوار اسلام (ص) معنی یک زندگی قانع و شرفمند و با عفت را به یارانش چنین نمودند.

"ای یاران من! من هیچ چیزی از مال دنیا را در گوشه و کناره جمع نموده و از شما پنهان نکرده ام، یعنی هیچ ثروت جمع نکرده ام. هر کس بخواهد با عفت و پاک زندگی خود را دوام بدهد، به یقین که خدای متعال آن شخص را عقیف و پاک نفس میسازد. هر انسان که بخواهد در برابر سختی ها و نابسامانی های روزگار صابر باشد، خداوند (ج) برایش صبر احسان میکند. یک انسان اگر دست به دیگران باز نکرده و کمک نخواهد، آن شخص محتاج و مظلوم را خداوند (ج) خودش کمک میکند. بزرگترین نعمت که به شما داده شده صبر است. نسبت به صبر دیگر هیچ نعمت بزرگ و با خیر به شما داده نشده است." (بخاری، رقاق / ۲۰).



زمانیکه هیچ یک از مخلوقات وجود نداشت، آن ذات بی نیاز وجود داشت.


خداوند (ج) که متصف به صفت جبار است، هیچ نیازی به مخلوقات نداشت و ندارد.

زمانیکه خداوند (ج) وجود داشت، انسان و جنیات وجود نداشت.

عرش و زمین، مهتاب و نه فلک را خداوند لایزال با صفت صانع بودن خود، صنع و خلق کرده است. تمام موجودات به وحدانیت خداوند (ج) اقرار نموده است.

خداوند متعال که از اول و آخر، ظاهر و باطن هستی و تمام موجودات آگاه هست کائنات را با امر و کلمه شو "کن" خلق کرده است. خداوند (ج) بخاطر نمایان و آشکار ساختن هستی و وحدانیت خود، انسان را خلق کرده تا انسان از یگانگی و وجود آن ذات متعال آگاه شود. خداوند (ج) زمین را همچون دوشک هموار و آسمان را به گونه سقف خلق کرده است. همان گونه که خداوند (ج) برای رفع احتیاجات مادی انسان انواع نعمت ها را خلق کرده، برای رفع احتیاجات معنوی و به کمال رسیدن انسان، پیامبران (ع) را فرستاده است.





انسان از لحاظ نژاد، زبان، دین،  
جنسیت، هرچه که باشد تفاوت  
نمیکند. از اینکه تمام انسان های  
روی زمین از لحاظ انسانیت مربوط و  
منسوب به یک خانواده میشوند، هریک  
شان دارای شرف و اعتبار هستند.



و کتاب‌ها را نازل کرده است. با فرستادن پیامبران (ع) حقوق و مکلفیت انسان‌ها را مشخص نموده است. از اینکه انسان را اشرف مخلوقات و مکرم خلق کرده و به عنوان خلیفه روی زمین مخاطب خود قرار داده بزرگترین شرف و افتخار برای بندگان است.

در بدل این نعمات و شرف بزرگ فطری که نصیب انسان شده است، انسان چه نوع رفتار اختیار میکند مربوط خودش میشود. پس انسان موظف است تا از شرف و عقیده فطری خود پاسبانی کند، از بعد معنوی خود را به تکامل برساند و برای تداوم زندگی شرافتمندانه تلاش نماید. اگر انسان واقعا ارزش خود را درک مینمود و یکسان بودن شرف و عزت هر انسان را میدانست، در چنین صورت باپوشیدن لباس عفت به گونه زندگی میکرد که هرگز به حیثیت و شرف کسی صدمه و لطمه وارد نمیکرد.

پس قضیه این گونه شد؟ از روزی که حضرت آدم (ع) با خانواده اش در روی زمین مسکن گزین شد تا امروز این جهان کهنه، چه قدر پایمال شدن شرف و عفت انسان را تماشا نموده است؟ چه قدر ظلم، بی عدالتی، گرسنگی و قحطی را شاهد بوده

است؟ از آن زمانیکه قابل فرزند آدم (ع) خون برادرش را در روی زمین ریختانده، تا امروز در این کره خاکی چه قدر حیثیت انسان ها زیر پا شده؟ چه قدر دیکتاتوری، زور گویی، جنگ و قتل عام ها را به خود جای داده است؟ وقتیکه انسان از مقصد آفرینش خود دور شده و به یوغ نفس گردن نهاده، اسیر و گرفتار آرزوهای پست و بی ارزش شده، خود و اطرافیانش را زیاد متضرر ساخته است. انسان از زمانیکه تابع خواهشات مادی و بدنی شده، در گردآب بی عفتی گرفتار و غرق شده است. در چنین وضعیت متأسفانه انسان با دست، زبان، چشم و گوش خود شر را کلید و خیر را قفل گردیده و این حالت هنوز دوام دارد. انسان از دست انسان چه دردها میکشد، در حالیکه انسان دشمن انسان نیست، بلکه دوستش باید میبود. باید از دنیای فانی به آخرت با اعمال نیک و اطمینان قلبی سفر میکرد. آنهایی که به اثر انجام اعمال بدشان در دنیا، در روز محشر روی سیاه حشر میشوند چه خوب بود که به سبب انجام اعمال نیک شان در صف انسان های نورانی در محشر قرار میداشتند (عبسه/ ۳۸-۴۲).

اگر تاکنون در این دنیا هستیم و به زندگی خود دوام می‌دهیم، هنوز برای انجام اعمال نیک و زیبا هیچ دیر نشده، کافی است که هریک از ما و شما برای حفظ حیثیت انسان و انسانیت اقدام نمایم! کافی است که ارزش و وقار خود را درک کنیم و هم حد و مرز حقوق دیگران را شناخته به آنها اعلان کنیم و نشان بدهیم که به حقوق شما تجاوز نمی‌کنیم.

### چیست شرف و عفت؟

از لحاظ مفهوم "شرف" عبارت از همان عزت، اعتبار و احترام است که انسان برای خویش خواسته و از دیگران هم توقع دارد تا همین عزت، اعتبار، ارزش و احترام را به او قائل باشند. شرف ارزش شخصیتی یک انسان را نشان می‌دهد. شرف ارزش شخصیتی یک انسان را نشان می‌دهد. شرف عبارت از همان ویژگی مخصوص برای انسان است که انسان را از دیگر موجودات زنده متمایز می‌سازد. در حقیقت همین ویژگی‌های عالی است که باعث نمایان شدن مفهوم "شرف" در انسان میشود.

## در بدل این نعمات و شرف بزرگ فطری که نصیب انسان شده است، انسان چه نوع رفتار اختیار میکند مربوط خودش میشود.

"انسان موجود با کرامت و شرف است" چنانچه قبلاً تذکر داده شد، شخصیت و چیستی انسان را شرف و عزتش معرفی میکند. "صاحب شرف شدن انسان" یک وضعیت و حالت بعد از پیدایش برای انسان نیست، بلکه یک نعمت است که در فطرت انسان نهاده شده و با آفرینش انسان یکجا به وی داده شده است. اما "با شرف باقی ماندن" نیاز و ضرورت به غیرت و توجه خاص انسان به شرف خودش دارد. آنانیکه به خود احترام نداشته باشند، احترام آنها به دیگران کار آسان نبوده و سخت مییاشد. انسان زمانیکه ارزش و قیمت خود را درک کرد، با رفتار و کردار خود برای محافظت ارزش و وقار خود تلاش خواهد کرد، بخاطر حفظ حیثیت و عفت خود فضایل اخلاقی را محور اساسی در زندگی خود قرار خواهد داد. "عفت" عبارت از همان ویژگی های خاص اخلاقی انسان است که انسان را از خواست های بی ارزش مادی و جسمی محافظت میکند. عفت، یعنی انسان در خوردن، نوشیدن و اشباع غرایز جنسی خود اندازه و تعادل را در نظر بگیرد. به

وقتیکه انسان  
از مقصد آفرینش  
خود دور شده  
و به یوغ نفس  
گردن نهاده، اسیر  
و گرفتار آرزوهای  
پست و بی ارزش  
شده، خود و  
اطرافیان را زیاد  
متضرر ساخته  
است.

## شرف و عفت

عبارۀ دیگر عفت عبارت از یک فضیلت و دست آورد است که انسان بر خواست های پست نفسانی خود حاکم شده و آنها را تحت فرمان دین و عقل قرار میدهد. انسان بخاطر گذراندن زندگی روزمره خود، لازم است در مورد نیازهای طبیعی خود از قبیل خوردن، نوشیدن و غیره تدابیر ضروری را به شکل متعادل و متوسط داشته باشد. به عبارت دیگر عفت یک ملکه قلبی است که باعث یک زندگی زبینه و موافق با فطرت انسانی شده و از چنگ نفس انسان را نجات میدهد. زندگی عفتمندانه، نتیجه و لازمه احترام انسان به خدا، به خودش و به اطراف و محیط اش میباشد. یعنی اگر واقعا انسان خود را بنده خدا میداند، محیط و جامعه زیبا میخواهد و خود را محترم میشمارد پس لازم است با عفت زندگی کند.

### معصومیت انسان: انسان از تولد با شرف است.

خداوند متعال که متصف به صفات های پاک باری و مصور است انسان را به زیباترین صورت خلق کرده است. انسان مخلوقی است خداوند الخالق، الباری، المصور او را (کاملا) «درست کرده» و از روح خود دمیده است. (حجر ۲۹ / ص ۷۲) به همین دلیل است که انسان را نسبت به موجودات

دیگر برتریت داده است. این حقیقت در چندین جای قرآن کریم تذکر داده شده است؛ «چنانچه خداوند متعال آیه های ذیل در مورد چنین مهربانی میکند. "و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم." (اسرا/۷۰) این است لطف الهی در حق انسان که در کلام پاک خود تذکر داده است. خلیفه شدن انسان در روی زمین (بقره/۸۰) به دوش گرفتن امانت الهی (احزاب/۷۲) صاحب قلب، عقل و ادراک بودنش (ملک/۲۳) بواسطه انبیاء الهی دانش آموختنش (بقره/۱۵۱) بیانگر مقام بلند و منتخب انسان در میان مخلوقات دیگر است. انسان در دین مقدس اسلام فقط به خاطر انسان بودنش محترم و با شرف است. این قاعده و روش احترام به انسان "معصومیت آدمی" یعنی محترم بودن انسان به اساس قاعده انسان بودن قابل تعریف و پذیرش است. به عباره دیگر شرف از انسان بودن سرچشمه میگیرد.

انسان از لحاظ نژاد، زبان، دین، جنسیت، هرچه که باشد تفاوت نمیکند. از اینکه تمام انسان های

روی زمین از لحاظ انسانیت مربوط و منسوب به یک خانواده میشوند، هریک شان دارای شرف و اعتبار هستند. هیچ یکی از ما در انتخاب نژاد، وطن، جنسیت، و خانواده خود اختیار نداریم. بلکه تفاوت و فرق در زبان و رنگ انسان ها به اساس تقدیر الهی و یکی از دلائل وجودی آن ذات پاک است ( روم/۲۲). نسب ما را هم خداوند متعال خودش تعیین کرده است ( فرقان/۲۵). پس در آنچه که ما صلاحیت تعیین و مداخله در آنرا نداریم، طلب برتری جویی کردن، فخر نمودن مخالف دستورات قرآن کریم و سنت حضرت پیامبر(ص) است.

معکوسا چنانچه دساتیر و تعلیمات قرآن کریم معطوف به ترمیمکاری و نوسازی لکه های وارد شده بر حیثیت انسان از ناحیه برتری جویی بی اساس بوده، در طول زندگی پیامبر(ص) نیز با این پدیده شوم مبارزه و مقاومت کرده است. چنانچه آن حضرت (ص) قبل از اسلام و قبل از نزول وحی بخاطر دفاع از حیثیت و شرف مظلومین در پیمان مشهور "حلف الفضول" با دیگر جوانان مکه اشتراک میکند. با ورد در این پیمان و ایستادگی اش در برابر حق تلفی ها، حمایت از مظلومین



بالآخره به خاطر شرف و حیثیت انسان به چه اندازه مبارزه و مقاومت شرافتمندانه میکند واضح و آشکار است. بعد از اینکه آفتاب نبوت طلوع میکند و آن حضرت (ص) تبلیغ دین اسلام را شروع میکند، بازهم برای حفظ حقوق، حیثیت و شرف انسان تا آخرین نفس مقاومت و مبارزه میکند.

خداوند (ج) در قرآن کریم فرموده است که انسان ها را از یک "نفس واحد" (نساء / ۱) پیدا کرده و با هم یکسان هستند. حضرت پیامبر (ص) هم در خطبه تاریخی و مشهور "حجة الوداع" خود تمام انسان ها را مخاطب قرار داده و بیان نموده که همه انسان ها از یک پدر و مادر خلق شده و برتری جویی های نژادی بی ارزش بوده و نمی توان معیار برتری قرار گرفت. خطبه مذکور را جناب آن حضرت (ص) اینگونه ایراد نمودند "ای مردم! این را بدانید که پروردگار شما واحد است، پدر شما هم یکی است، هیچ عربی بر غیر عربی برتری ندارد و هیچ غیر عربی بر عربی برتری ندارد؛ و همچنین هیچ سفیدی بر هیچ سیاهی و هیچ سیاهی بر هیچ سفید برتری ندارد مگر به لحاظ تقوا و عمل نیک. (ابن حنبل، ۵/۱۰۰).

## شرف و عفت

چنانچه که شرف و حیثیت انسان به نژاد، قبیله، دین، مذهب و مشرب وابسته نیست، به جنسیت و موقف اجتماعی انسان هم وابسته نیست. زن، مرد، جوان، پیر، سرمایه دار، فقیر، با سواد بی سواد و بالآخره هر انسان به اعتبار انسان بودنش محترم و لایق احترام است. چنانچه پیامبر (ص) فرموده است "بسیار انسان های فقیر با سرو صورت پریشان از دروازه ها جواب رد گرفته و رانده شده است که اگر به خدا قسم بخورد در انجام یک فعل، خداوند (ج) به دلیل مظلومیت آن بنده قسمش را به حقیقت مبدل نموده و آن فعل تحقق پیدا میکند." (مسلم، بر / ۱۳۸) بناء به فرموده و تأکید حضرت پیامبر (ص) شرف انسان نه در ظاهر او بلکه در اصل و باطن او نهفته است. در حدیث شریف دیگر نیز به تأکید موضوع چنین فرموده است. "خداوند (ج) به صورت و مال های شما نمییند، فقط به قلب ها و اعمال شما نظر میکند" (مسلم، بر / ۳۴).

به اساس قواعد و اصول اسلام حرمت و شرافت انسان بعد از مرگش هم دوام میکند. حضرت پیامبر (ص) فرموده است "مرده گان را دشنام ندهید و توهین نکنید، چونکه آنها آنچه را که در دنیا انجام

داده اند اکنون با آن ملاقی شده اند و عمل خود را در آنجا میبینند" ( بخاری، جنائز/۹۷) یعنی به اساس همان اعمال مواخذه میشوند. حضرت پیامبر (ص) با این دستور خود به ما فرمان برخورد زیبا با مرده گان را داده است. یک مرتبه از نزدیک آن حضرت (ص) یک جنازه را میبردند، آن حضرت (ص) به احترام جنازه از جایش برخاسته و ایستاده شد. اصحاب کرام تعجب نموده گفتند یا رسول الله آن جنازه یک شخص یهودی است "در جواب اصحاب کرام آن حضرت (ص) فرمودند آیا او یک (نفس) انسان نیست؟" (مسلم، جنائز/۸۱). به همین سبب انسان که اشرف مخلوقات است همان گونه که در زندگی اش محترم است مرده اش نیز محترم است.

### شرف انسان مصون است

فطرتاً، انسان از زمانیکه تولد میشود، محترمیت خود را با خود میآورد. یعنی از همان آغاز که چشم به جهان میگشاید محترم است. روی همین دلیل در اسلام، جان، دین، عقل، حیثیت و مال انسان مصون شده، کسی حق تعرض به اینها را ندارد. محافظت از این ارزش ها یک وظیفه اسلامی و انسانی است. حتی ارزش های

## مسلمان مأمور و مسؤل از شرف و عزت خود و هم از شرف و عزت دیگران است.

یاد شده به حد مهم است که اگر شخص بخاطر آنها مبارزه میکند و جان خود را از دست میدهد. (ترمذی، دیات/۲۱، ابوداود، سنه/۲۹).

در قرآن کریم خداوند (ج) فرموده است کشتن یک انسان به ناحق به معنی کشتن همه انسانیت است، نجات دادن یک انسان مانند زنده ساختن تمام جامعه بشری است (مائده/۳۲). جناب حضرت پیامبر(ص) در خطبه حجه الوداع هم مصون بودن جان، مال، حیثیت و ناموس انسان ها را بیان نمودند (ابن حنبل ج ۵ ص ۷۲).

در دین ما بخاطر حفظ عزت نفس، خوار و پست دیدن یک انسان تمسخر کردن، توهین و تحقیر کردن، لقب گذاشتن، غیبت کردن، دروغ گفتن بالاخره هر گونه رفتار تحقیر آمیز ممنوع شده است. تعرض مسلمان به جان، مال، و آبروی مسلمان دیگر حرام شده است (مسلم، بر/۳۲) به همین سبب تعرض به جان و مال برادر مسلمان، لکه و لطمه وارد کردن به شرف و حیثیت برادر مسلمان بالاخره خورد ساختن و توهین کردن برادر مسلمان با قول و فعل مخالف دستورات دین ما میباشد.

هر چند در روی زمین وضعیت جنگ ناخواسته هم باشد، اسلام حق دفاع مشروع از خویش را اجازه داده است (توبه / ۱۲، حج / ۳۹). لیکن برای مسلمان که در حالت جنگ است یک سلسله قواعد و مقررات حقوقی و اخلاقی وضع شده است. تا به اساس آن حرکت نموده و قدم بگذارد. اصلاً نه در جنگ بلکه در هر حالت، ظلم و شکنجه ممنوع شده است (مسلم، جهاد / ۲). اما به گونه ویژه عدم تعرض و مصونیت دادن به زن ها، اطفال، سالمندان و عالمان دین که در حالت جنگ، شامل جنگ نیستند، دستور حضرت پیامبر (ص) است (بخاری، جهاد / ۱۴۸ و ۱۴۷).

تاریخ و قواعد جنگ و جهاد در اسلام نشانده اینست که، ضرر رساندن حتی به خانه، باغ و باغچه دشمن هم ممنوع بوده است. لیکن امروز در این مورد، مقرر، توافق نامه، قانون و کنوانسیون های بین المللی که تمام کشورهای جهان به آن مهر تائید گذاشته و امضاء نموده اند، متأسفانه تنها به روی کاغذ دیده میشود، در عمل قابل دید نیست. بناء این توافق نامه های بین المللی شرف و حقوق انسان را محافظت نتوانسته و ما تلف حقوق انسان را با اندوه فراوان تماشا داریم. در جنگ جهانی

## شرف و عفت

اول و دوم چه قدر قتل عام‌ها صورت گرفت، جنایت‌های صورت گرفته در آذربایجان، بوسنا و افغانستان را دنیا شاهد است. امروز هم در سوریه، عراق و دیگر گوشه‌های دنیا که جنگ جریان دارد، حوادث ترور، شکنجه، قتل عام‌ها، بی‌هویت ساختن‌ها، نابودسازی‌ها، حوادث از وطن کشیدن‌ها جریان داشته و دردش قابل حس است. فقر و محرومیت در افریقا حاکمیت خود را گسترش داده است. حوادث ناگوار که به اثر این محرومیت‌ها در افریقا رخ داده، به گونه متداوم وجدان‌ها را جریحه دار می‌سازد. در حالیکه شرف و عفت انسان و انسانیت به آخرین درجه پایمال شده، مردم مظلوم و بیچاره تا آخرین درجه حقوقش تلف شده، اراده و قدرت که مانع ظالمان و اخلال‌گران حقوق انسان شود وجود ندارد. متأسفانه سازمان‌های متحد و غیرمتحد بین المللی که خود را حامی حقوق و شرف انسان میدانند نمی‌توانند هیچ کاری را انجام بدهند.

مسلمان‌مأمور و مسؤل از شرف و عزت خود و هم از شرف و عزت دیگران است. یکی از حقوق برادری در میان مسلمان‌ها اینست که از شرف و عزت برادرش در حضور و غیابش



پاسداری کند. همچنان از حقوق برادر مسلمان بر برادر مسلمانش اینست که همدیگر را در زندگی همکاری و یاری کنند. چنانچه حضرت پیامبر (ص) در قسمت حقوق برادر مسلمان چنین مهربانی میکند. "هرگاه شرف و عزت یک مسلمان مورد تهدید واقع شده شخص دیگر او را در حفظ شرف و عزتش همکاری نکند، آن شخص هم اگر در چنین حالت قرار بگیرد، خداوند (ج) با او همکاری نمیکند و تنها میگذاردش. هرگاه شخص



حیاء دوست عفت،  
محافظت کننده از پلیدی  
و بزرگترین همکار برای  
حفظ و بقایی شرف و  
حیثیت انسان است.



دیگر برای حفظ شرف و حیثیت برادرش همکاری کند، در زمان دیگر آن شخص هم اگر در چنین حالت قرار بگیرد و از خداوند (ج) کمک بخواهد خداوند (ج) او را تنها نگذاشته کمکش میکند" مسلمان هم برای حفظ شرف و حیثیت خود و هم برای حفظ شرف و حیثیت دیگران مسؤل است ( ابوداود، ادب/۳۶).

عضو خانواده، خویشاوند، همسایه، دوست، مرد، زن، طفل، جوان، پیر... هرکس که باشد، شرف و حیثیتش همچون شرف و حیثیت خودمان است. مکلف هستیم که شرف و حیثیت اینها را همچون شرف و حیثیت خودمان بدانیم. قسمیکه هر نوع رفتار و گرایش دیگران را که لطمه زننده به شرف و حیثیت خودمان باشد دوست نداریم. پس لازم است از چنین رفتار درقبال شرف و حیثیت دیگران هم پرهیز کنیم. اگر ما این مسؤلیت خود را درقبال دیگران با دقت رعایت کنیم، در برابرش حضرت پیامبر(ص) به ما چنین مژده داده است: "هر کس از ریختن آبرو، شرف و حیثیت یک برادر مسلمانش جلوگیری کند، شرف و حیثیت وی را محافظت کند، در برابرش خداوند (ج)

فقر به معنی واقعی محروم  
بودن از نعمات مادی نیست،  
بلکه در حقیقت فقر زندگی  
بدون عفت و شرف است.

آتش دوزخ را از روی وی دور میکند." (ترمذی،  
بر/۲۰)

به اساس تعلیمات و دستورات که حضرت  
پیامبر(ص) به ما داده است، مسلمان نباید وارد  
موضوعات و امور شود که نمی تواند از عهده آن  
برآید. در نتیجه چنین عمل خودش خورد و تحقیر  
شده که برایش مناسب نیست (ترمذی، فتن / ۶۷).  
مسلمان باید، مرز، حدود و اندازه حلال و حرام  
را رعایت نموده، از چیزهای شبه دار خود داری  
نماید. برای حفظ شخصیت و حیثیت خود توجه  
خاص نماید (بخاری، ایمان/۳۹). مسلمان باید  
در خوراک، پوشاک، نوشیدنی، سخن و رفتارش  
صاحب شرف و حیثیت بودنش را نمایان سازد.  
پس باید مسلمان به دست و زبان خود حاکم بوده  
زندگی آبرومندانه و با عفت را شعار خود بسازد.  
زیرا با عفت بودن هم سبب و هم نتیجه یک  
زندگی حیثتمندانه و شرافتمندانه است.



## عفت، عبارت است از ایستادگی با قاطعیت در برابر نفس است

سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد. سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد. که هر کس آن را پاک گردانید قطعا رستگار شد. "و هر که آلوده اش ساخت قطعا در باخت." (شمس/۷-۱۰) به اساس آنچه که از آیات قرآن کریم دانسته میشود، انسان از لحاظ اخلاقی یک موجود دوقطبی است. توانایی، فهم و درک از خوبی و بدی، درست و نادرست، ثواب و گناه برایش داده شده است. در عین حال آزادی انتخاب و عمل برهبریک از اینها به خودش داده شده است. اگر انسان نفس خود را جواب منفی داده و مهار نماید، اعمال خوب انجام داده ثواب کسب نماید. به اساس بیان آیت فوق الذکر از جمله رستگاران و راه یافتگان است. اما اگر معکوسا تابع خواهشات و غرایز نفسانی شده و از آن پیروی نماید، ناکام مانده و از جمله گمراه شدگان است. یکی از بارزترین وصف نفس پاک شده و تربیت یافته، با عفت بودن است.

زندگی با عفت و درست از اوصاف جدا ناپذیر انسان مسلمان است. عفت در اول از قلب آغاز

میشود. خداوند (ج) به قلب بنده خود نظر میکند (مسلم، بر/۳۴) مسلمان این موضوع را درک کرده، پس به قلب خود توجه خاص مینماید. ترک هوا و هوس، به کناره گذاشتن خواهشات و آرزوهای بی مورد و بالآخره به اعتدال در آوردن خواسته ها عبارت از عفت و پاکی قلب است. این حال و وضعیت از قلب به دیگر اعضا سرایت نموده، بر دست، زبان، چشم و گوش به شکل "ادب" نمایان میشود.

همینگونه که عفت زیب و زینت فرد است، زیب و زینت اجتماع نیز میباشد. برای ساختن و ایجاد یک جامعه و اجتماع با عفت دین مقدس اسلام برای مردان و زنان با ایمان یک سلسله مسؤلیت ها را وضع کرده است. رعایت قواعد و مقررات محرمیت، تستر و حجاب در صدر این مسؤلیت ها قرار میگیرد.

پدیده "محرمیت" خرد، بزرگ، زن و مرد بالآخره هرکس را دربرگرفته، در زندگی اجتماعی، به معنی محافظت از حریم خصوصی خود و احترام به حریم خصوصی دیگران میباشد. آگاهی از محرمیت، انسان را نیرومند ساخته زمینه درک و شناخت خود را فراهم میکند. احترام خودی

را توسعه میبخشد. از همین رو انسان حدود و مرزهای محافظت از خود را میآموزد، به حریم شخصی دیگران احترام گذاشته و به ریختاندن آبرو و شرف دیگران هیچگاه قدم نمیگذارد.

در امر "حجاب" در اسلام هم محافظت روحی و هم محافظت فطری انسان نهفته است. قابل ذکر است که در روابط انسان ها جنسیت مدار اعتبار نبوده بلکه، شخصیت انسان و محترم بودن وی در درجه اول قرار میگیرد. در عین حال در امر "حجاب" در اسلام اهداف مانند ساختن خانواده و جامعه صحتمند و سالم نهفته است. "حجاب" یا تستر، تنها عبارت از پوشاندن اعضای مشخص بدن نیست. چنانچه خداوند (ج) در سوره اعراف چنین فرموده است "ای فرزندان آدم! به یقین که برای شما لباس پدید آوردیم تا هم عورت شما را بپوشاند و هم سبب تجمل و زیبایی باشد." در ابتدا این آیت هدف از پوشاک و پوشیدنی را پوشاندن شرمگاه های انسان تذکر داده است. لیکن در ادامه آیت چنین می فرماید. "لباس تقوا" بهتر است. (اعراف/۲۶) پس در این آیت برای انسان مسلمان تذکر داده شده است که، حفظ عفت، حیثیت و شخصیت انسان و خود داری از آلودگی ها و گناه

اگر انسان نفس  
خود را جواب  
منفی داده و مهار  
نماید، اعمال خوب  
انجام داده ثواب  
کسب نماید. اما  
اگر معکوسا تابع  
خواهشات و غرایز  
نفسانی شده و از  
آن پیروی نماید،  
ناکام مانده و از  
جمله گمراه شدگان  
است.

ها از جمله مسؤولیت مهم مسلمان در قبال اوامر الهی است. فلهمذا مسلمان در نشستن، برخاستن، راه رفتن، صحبت کردن، نگریستن، داد و گرفت و سایر اعمالش چهارچوب ادب را رعایت نموده و لباس تقوا را در کردار و رفتارش نمایان میسازد. پس به اثر لباس تقوا حجاب انسان مسلمان تکمیل میشود.

مسلمان های که زره عفت را به تن نموده و لباس حیاء را پوشیده اند، چشم های خویش را از حرام محافظت میکنند. در این مورد خداوند (ج) در آیه های پی در پی سوره نور چنین بیان می کند. ای رسول من! "به مردان مسلمان بگو چشم های خود را در برابر نام محرم بپوشانند و شرمگاه های خود را محافظت نمایند" و "به زنان مسلمان هم بگو چشم های خود را در برابر نام محرم بپوشانند و شرمگاه های خود را محافظت نمایند" خداوند (ج) در این آیات مبارکه برای ما خاطر نشان میسازد که از نگریستن و نظر کردن های خویش مسؤل هستیم. چشم های ما که در حقیقت پنجره های قلب ما است، خداوند (ج) خواسته که آنها را با پرده ادب و حیاء بپوشانیم. فلهمذا محافظت چشمان از نا محرم برای مردان و زنان مسلمان



بهترین شیوه برای پاکی و دوری از گناه است (نور/۳۰-۳۱). و ما از آن مسؤل هستیم. حضرت پیامبر (ص) به حضرت علی (رض) چنین خطاب منماید "ای علی! بعد از نظر اولی نظر دومی را اضافه مکن! چونکه نظر اولی بخشیده شده. در مرتبه دوم نظر کردن حق برای شما نیست" (ابوداود، نکاح/ ۴۲-۴۳).

قرآن کریم به دو نقطه ضعیف انسان دقت و توجه مخاطب خود را جلب میکند. یکی افتادن به دام خواست های مادی و مال دنیا و دوم میل کردن به خواست های جنسی. حرص مال و ملک دنیا انسان را ضعیف ساخته و سبب از هم پاشیدن اعتدال و درکش در زندگی میشود. انسان از اینکه محتاج دیگران شود و به پرتگاه فقر سقوط کند میترسد. در حالیکه فقر به معنی واقعی محروم بودن از نعمات مادی نیست، بلکه در حقیقت فقر زندگی بدون عفت و شرف است. به اساس فرموده قرآن کریم آنچه فقیان ولیکن با "عفت" هستند که فقر و نداری خود را پنهان نموده اند. به همین دلیل مردم نادان آنها را ثروتمند فکر میکنند. فقر آنها از چهره و صورتشان دانسته میشود. آنها

هرگز از مردم چیزی طلب نمیکنند، آنها مستحق گرفتن صدقه هستند (بقره/۲۷۳).

از سوی دیگر قرآن کریم کسانی را که به دام آرزوهای جنسی و شهوانی گرفتار نشده و در شهوت غرق نشده اند اشخاص با عفت توصیف میکند (نور/۳۳). برای رفع و اشباع غریزه جنسی دین اسلام راه های مشروع را برنامه ریزی کرده است. در این رابطه مقرر و قواعد که آرام بخش فرد و اجتماع است وضع کرده است. بی بند و باری در رابطه جنسی، منجر به تخریب نسل، از بین رفتن احترام فردی، متزلزل شدن ارزش های اخلاقی جمعی و بالآخره باعث انتشار بسیاری از امراض روحی و فیزیکی میشود. روی همین دلائل محافظت از ناموس و عفت زیننده شرف انسانی بوده، پاک تمیز و ویژه زندگی کردن از مهمترین مسؤولیت های انسان مسلمان است. مسلمان باید جلو سرکشی های جنسی خود را گرفته و توان مهار کردن وسوسه ها و خواهشات جنسی خود را داشته باشد. خداوند (ج) در سوره الإسراء می فرماید که «به زنا نزدیک نشوید. زیرا یک عمل بی حیایی بوده و یک راه زشت و کار بد است.» (الإسراء، ۳۲/۱۷) در این آیت زیبایی قرآنی به

چه اندازه زنا زشت و پلید بوده خاطر نشان شده است. حضرت پیامبر(ص) در مورد اینکه اعضای بدن انسان در زمینه سازی عمل زنا نقش بسیار بالایی دارد هشدار داده است. چنانچه آن حضرت (ص) فرموده اند که متوجه حرکات، زبان، چشم، گوش و دست خویش باشید (بخاری، استیذان ۱۲/، قدر/۹).

به اساس دستورات دین مقدس اسلام، یگانه راه مشروع رفع و اشباع خواسته های طبیعی جنسی ازدواج است. ازدواج محافظ عفت و حیثیت، مستحکم ترین قلعه و قویترین سپر است. برای کسانی که تا هنوز توانایی امکانات مادی ازدواج فراهم و میسر نشده است، تا اینکه خداوند (ج) با لطف و احسان خویش آنها را توانمند بسازد، مکلف هستند تا عفت خویش را حفظ بکنند (نور/۳۳) و از زنا دوری بجویند (اسرا/۳۲).

حضرت پیامبر (ص) در یک سخنرانی خود برای جوانان اهمیت ازدواج را برای محافظت از عفت و پاکدامنی چنین بیان نمودند: "ای گروه جوانان! کسانی که از شما توانایی ازدواج را دارند، پس باید ازدواج بکنند. زیرا ازدواج پرده است. برای محافظت چشمان شما از حرام و قلعه مستحکم

است برای محافظت عفت و دوری شما از زنا." (بخاری، نکاح/۳)

در روشنایی این بیدار سازی، هشدار و پیام حضرت پیامبر (ص)، در پهلوی تشویق و ترغیب جوانان به ازدواج، لازم است تا زمینه های آسان سازی ازدواج را هم فراهم نمود، موانع و شرط های سنگین را که مانع ازدواج میشود از بین برد. آسان سازی ازدواج و همکاری با کسانی که میخواهند ازدواج کنند، باید به عنوان یک اصل و مکلفیت اجتماعی پذیرفته شود. چنانچه حضرت پیامبر (ص) به عروسی و ازدواج ساده و آسان تشویق و ترغیب نموده است. جناب آن حضرت (ص) مهربانی نموده است که بهترین و با برکت ترین ازدواج همان است که به گونه آسان انجام شود (ابوداود، نکاح /۳۱).

### عفت سرچشمه آزادی است

اساسی ترین ارزش که حیثیت انسان به آن اتکاء میکند، حریت و آزادی است. تمام انسان ها حر و آزاد تولد میشوند. بدون شک بزرگترین تعرض به شرف انسان، برده ساختن انسان است. پسر والی مصر از قدرت پدرش سوء استفاده نموده،

زورگویی کرده و به مردم ظلم میکرد. خلیفه مسلمان ها امیر المومنین حضرت عمر (رض) از قضیه آگاه شده، به والی مصر با سخنان تند هشدار داده میگوید. " از چه وقت شما مردم را برده خود ساخته اید؟ در حالیکه مادرانشان آنها را آزاد به دینا آورده اند" ( کنز العمال، ج ۱۲، ص ۶۶۰-۶۶۱). دلیل اینکه امیر المومنین به والی خود این گونه سخت هشدار میدهد اینست که او تربیه یافته از رحمت للعالمین حضرت محمد مصطفی (ص) بود. چگونگی احترام و اکرام به انسان را شخصا خودش از آن جناب آموخته بود. نزد حضرت پیامبر(ص) از لحاظ شرف و حیثیت میان برده و آزاد کدام تفاوت وجود نداشت. پیامبر (ص) در یک جامعه که بردگی به گونه عادی وجود داشت زندگی میکرد. اما برای اینکه برده ها آزاد شوند همیشه تلاش نموده و به این موضوع توجه خاص مینمودند. دیگران را همیشه به آزاد سازی بردگان تشویق و توصیه مینمودند. آنجناب به قشر محروم جامعه محبت، اهتمام و توجه خاص داشتند. همین محبت خاص بود که بردگان چون زید بن حارثه ، بلال حبشی، و حضرت

عمار بن یاسیر را مجذوب اسلام ساخته و آنها به دین اسلام مشرف می ساخت.

تفاوت نمیکند، برده ساختن آن از طرف شخص دیگر قابل قبول نیست. عین شکل اگر انسان تحت امر و فرمان نفس شده و به آن گردن نهد، برده نفس شود، این عمل وی با شرافت انسانی سازگار نیست. از همین رو ممکن است بگویم که آزادی حقیقی بندگی خداوند (ج) است که انسان جزء خداوند (ج) به کسی دیگری گردن خم نکرده و بندگی نکند. بزرگترین شرف، خداوند (ج) را آنگونه که لازم است بندگی اش را نمودن است. زندگی با شعور بندگی، به معنی آزاد زیستن و به معنی با عزت و با حیثیت زیستن است.

بدترین بردگی آنست که انسان غرق و اسیر آروزهای نفسانیش شود. در حالیکه هوس، حرص و خواست های دنیایی انتها و پایان ندارد. انسان که برده نفس خود شده است، در طلائم طوفان خواسته هایش پراکنده، سراسیمه و ناقرار بوده مسیر مستقیم را از دست داده است. نجات از اینگونه بردگی یا به تعبیر دیگر آزادی از اسارت نفس در قدم اول بستگی دارد به عفت شخص. انسان با عفت از اینکه بنده حرص و طمع شود،

---

دردین ما بخاطر

حفظ عزت

نفس، خوار و

پست دیدن یک

انسان تمسخر

کردن، توهین و

تحقیر کردن، لقب

گذاشتن، غیبت

کردن، دروغ

گفتن بالآخره هر

گونه رفتار تحقیر

آمیز ممنوع شده

است.

---

خود را نجات داده، در اقلیم، آرامش، اعتماد به نفس و سرور زندگی میکند.

اصلا هر آنچه را که دین مقدس اسلام به عنوان فضائل اخلاقی برایش ارزش قائل شده، آن ارزش اخلاقی مستقیما مرتبط است با شرف انسان. عفت تنها به انسان آزادی نمیبخشد، بلکه در پهلویش، ادب، حیاء، صبر، قناعت، حس همکاری با دیگران، عفو دیگران، شریف زبانی، خنده رویی و دیگر ویژگی های اخلاقی را به صاحبش به ارمغان آورده و شخصیت آن شخص را زیبا میسازد. پس می توانیم بگوییم که "عفت" زینت و زیور انسان بوده و علامت فهم و درک انسان از حیاء و ناموس میباشد.

وقتی که حضرت آدم (ع) و خانمش از میوه درخت ممنوع جنت خوردند، لباس های خود را از دست دادند، فلذا هر دویشان سراسیمه و سرگردان دنبال پوشانیدن شرمگاه های خود شدند (طه، ۱۲۱)، این حرکت حضرت آدم (ع) و خانمش نشان دهنده اینست که حیاء و احساس در وجود انسان چه قدر دارایی منشاء ریشوی است. حضرت پیامبر (ص) هم در مورد ریشه و منشاء حس حیاء و شرم چنین اشاره نموده است، "انسان



ها از تعلیمات اولین پیامبران تا امروز چیزی را که آموخته اند اینست که اگر شرم و حیاء نمیکنی هر آنچه را که میخواهی انجام بده" (بخاری، ادب/۷۸).

حیاء یک چیزی غیر قابل دید اما یک خط حساس و قرمز برای محافظت انسان است. حضرت پیامبر(ص) که خبر می دهد در هر دین یک بحث اخلاقی نهفته است و جوهر اخلاق اسلامی از حیاء تشکیل می شود چنین می فرماید، حیاء از ایمان سرچشمه میگیرد (ابن ماجه، زهد / ۱۷). حیاء دوست عفت، محافظت کننده از پلیدی و بزرگترین همکار برای حفظ و بقای شرف و حیثیت انسان است.

مؤمن به اساس دستور "ادب یا هو" دروازه های چشم، گوش، زبان و دل را به روی هر نوع بی حیایی و حرام میندود. به کسانی که با وجود توان و فرصت به بی حیایی و عمل زشت تا آخرین مرحله توان همچو حضرت یوسف (ع) پاسخ منفی میدهند پیامبر(ص) چنین مژده داده است "کسانی که بخاطر ترس از خدا، عمل زشت بی حیایی را انجام نمیدهند، در روزی که هیچ سایه وجود ندارد، آن شخص در تحت سایه عرش

الهی قرار خواهد گرفت" (بخاری، زکات/۱۶) به اساس خبر قرآن کریم، خانم عزیز مصر از حضرت یوسف (ع) درخواست انجام عملی جنسی را میکند، اما حضرت یوسف (ع) جواب رد داده و میگوید از این عمل زشت "به خداوند (ج) پناه میبرم" بعد از افشاء شدن این حادثه در قصر عزیز مصر یک اجتماع و مجلس از طرف خانم عزیز مصر برای زنان داخل و خارج قصر ترتیب شده و حضرت یوسف (ع) در آن اجتماع دعوت میشود، همه خانم ها تحت تأثیر زیبایی حضرت یوسف (ع) قرار میگیرند. در این حالت هم حضرت یوسف (ع) از خداوند (ج) چنین درخواست میکند "پروردگارا! زندان برای من بهتر است. نسبت به آن عملی که مرا به آن این زنان دعوت میکنند و اگر نیرنگ و مکر آنها را تو از من دور نسازی، در آن صورت به آنها میل نموده و از جمله جاهلان خواهم بود". بناء حضرت یوسف (ع) در برابر مکر زنان به خداوند (ج) پناه برده و خداوند (ج) دعایش را قبول کرده و از نیرنگ زنان نجاتش میدهد، لیکن به اثر یک تهمت و افتراء سالها در زندان باقی میماند (یوسف/۳۵-۲۳) داستان زندگی حضرت یوسف (ع) برای

هریک ما نمونه عفت و الگویی زیبایی میباشد. کسیکه در قصرها هم باشد اگر مغلوب و محکوم خواست و آرزوهای نفسانی باشد در اسارت قرار دارد، بر عکس کسیکه پاکدامنی را اختیار نموده و از شرف خود پاسبانی میکند در زندان هم اگر باشد در اصل آزاد است.

خود پاسبانی میکند در زندان هم اگر باشد در اصل آزاد است. یکی دیگر از الگوهای عفت که داستانش را از قرآن کریم آموخته ایم حضرت مریم است. مادر حضرت مریم سالها در حسرت و انتظار صاحب اولاد شدن بود. بعد از سالها ناگهان از باردار شدن خود آگاهی کسب کرد. بخاطر شکر این نعمت الهی آنچه را که در بطن داشت یعنی حضرت مریم را به عنوان "حر و آزاد" بخاطر خدمت معبد نذر نمود (آل عمران ۳۵). زیرا بندگی کامل و ادای حق بندگی خداوند (ج) به گونه درست ایجاب میکند که انسان از بندگی غیر خدا آزاده باشد. نذر شدن در راه خداوند (ج) به معنی رهایی از چنگال نفس و پاک شدن از گرفتاریهای پلید نفسانی است، همچنان نذر شدن به معنی شکستاندن هر نوع زنجیر اسارت و بندگی واقعی است. در راه خدا "نذری" شدن

تنها به معنی انصراف و چشم پوشی قلب از دنیا بلکه حتی به معنی انصراف از "عقبی" آخرت بوده و فقط به خداوند (ج) ارتباط و اتصال پیدا کردن است. کلمه "لااله الاالله" را به زبان حال در آورده و با آن زندگی کردن است.

حضرت مریم زمانی که در خدمت معبد قرار میگیرد، در آنجا با آزادی واقعی مصروف پرستش خداوند لایزال میشود. در آنجا با عفت و پاکدامنی زندگی خود را ادامه میدهد. بناء به حکمت الهی، بی پدر فرزند به دنیا آورده و شاهد یک معجزه میشود. به دلیل اینکه بی پدر فرزند به دنیا آورده مورد تعرض، تهمت و اذیت انسان های دور و نزدیکش قرار میگیرد. حضرت مریم در برابر این تعرض ها فقط به خداوند (ج) پناه میبرد. و به اساس فرمان الهی "روزه سکوت" گرفته یعنی در برابر کلام زشت مردم سکوت اختیار کرده و به واسطه سخن زدن طفل نوزاد که در آغوش دارد از اتهام مردم نجات پیدا میکند (آل عمران / ۴۶-۳۵، مریم / ۱۶-۳۳). با این زندگی پاکدامن و با عفت حضرت مریم خداوند (ج) به مرد و زن، به تمام مؤمنان یاد می دهد که انسان با یک زندگی با عفت و پاکدامن قویتر و گرامیتر می شود.

## رفتارهای لطمه زننده به عفت و شرف انسان

از اثر رفتار و کردارهای نامناسب و منفی انسان، انسانیت و شرف انسانی آنچنان در معرض تعرض قرار گرفته که حیثیت و شرف انسان زیر پا و پایمال گردیده است. ذکر چند نمونه از این رفتارهای ناسالم در اینجا خالی از فایده نخواهد بود.

## الف: الف: نژاد گرایی و مذهب گرایی

بیشترین چیزی که به شرف، حیثیت و عفت انسان و انسانیت صدمه وارد نموده و پایمالش میسازد عبارت از رفتار، گرایش و عمل کردهای، نژادگرایی، مذهب گرایی و مشرب گرایی میباشد. خداوند (ج) در سوره حجرات در مورد بی ارزش بودن نژادگرایی چنین بیان میکند "ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم. شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید خداوند دانای آگاه است." (حجرات/۱۳). به اساس این فرموده الهی، شرف مبتنی و وابسته به نژاد، قبیله و سلاله نبوده، بلکه به اساس "تقوا" میباشد. به

تائید این موضوع خداوند (ج) در سوره روم می فرماید که ای انسان، تفاوت در رنگ ها و زبان های شما به معنی تفوق و برتری جویی نه بلکه یکی از نشانه های قدرت الهی است (روم/۲۳). در عین حال تمام این تفاوت ها عبارت از سرمایه فرهنگی جامعه است.

انسان نمی تواند پدر و مادر، نژاد، قبیله، جنس و ملیت خود را خودش انتخاب کند. سیاه، سفید و زرد خلق شدن از اختیار انسان نیست. اراده الهی همینگونه تجلی نموده است که انسان ها را به رنگ و نژادهای مختلف خلق نموده است. بناء برتری جویی در موارد که ما صلاحیتش را نداریم و ممکن نیست که در آن مداخله کنیم، به معنی نادیده گرفتن و بی خبر بودن از حقیقت و واقعیت های زندگی است.

دوست داشتن اعضای خانواده، خویشاوندان، قوم و ملت یک اصل طبیعی و فطری در نهاد هر انسان است. فقط افتخار و تفوق جویی به امور که در آن ما حق انتخاب نداریم و اراده ما دخیل نیست درست نمیباشد. پس برتر دانستن نژاد و نسب خود، و خود را بالا دیدن به نسبت دیگران به اساس امتیازی نژادی درست نبوده و به معنی





هیچ کسی حق ندارد به  
دلیل اینکه شخص دیگر  
هم عقیده، هم فکر و  
هم طرز در زندگی اش  
نیست، بواسطه ظلم و  
ستمش دنیا را بر وی  
تنگ و تاریک بسازد.



بی احترامی و پایین دیدن دیگران است. فلهمذا منسوب بودن ما به یک نژاد، مذهب و خانواده نباید برمنسوبیت اصلی و اساسی ما که عبارت از منسوب بودن ما به اسلام و برادری اسلامی است سایه افکند.

پیامبر (ص) چنین فرموده است "با آمدن اسلام افتخار به غرور جاهیلی و افتخار به پدران و نسب از میان برداشته شده است. در میان انسان ها فرق و جدایی فقط به اساس صاحب بودن تقوا یعنی مؤمن بودن و بدبخت و کافر بودن است. انسان ها اولادهای آدم (ع) هستند آدم (ع) از خاک خلق شده است." (ترمذی، مناقب/۷۴). پیامبر (ص) در حدیث فوق الذکر پوچ و بی بنیاد بودن نژاد گرایی را خیلی خوب بیان نموده است. انسان ها اگر دارایی افکار مختلف هستند، یا مذهب یا مشرب خاص را میپسندند و به آن وابسته هستند، این موضوع در نهایت یک وضعیت نورمال و طبیعی است و هیچ مشکلی ندارد. اما اگر تنها راه منتخب خود را یگانه راه درست قبول نموده، سبب تفرقه شده تقابل و برخورد را در جامعه ایجاد نمایند، به معنی از حد گذشتن و حیثیت انسان های دیگر را هیچ شمردن است. روی زمین به اندازه بزرگ

است که میتواند پیروی هر عقیده، فکر، مشرب و مذهب را در خود جای دهد. هیچ کسی حق ندارد به دلیل اینکه شخص دیگر هم عقیده، هم فکر و هم طرز در زندگی اش نیست، بواسطه ظلم و ستمش دنیا را بر وی تنگ و تاریک بسازد. اصلا ممکن نیست.

### ب. ظلم و خشونت

ظلم بزرگترین بی حیثیتی است. خوردن و پایمال کردن، گرفتن و تلف کردن اموال دیگران به زور و ظلم، زور گویی و هرگونه رفتار ظالمانه در دین ما قطعاً حرام شده است.

به اساس فرموده حضرت پیامبر (ص) در یک حدیث قدسی خداوند (ج) چنین بیان میکند. "من ظلم را بر خودم و بر بندگانم حرام کرده ام، پس شما هم بر همدیگرتان ظلم نکنید." (مسلم، بر/۵۵). در قرآن کریم هم عاقبت ظالمان سنگین و سخت تذکر داده شده است. خداوند (ج) در مورد سرنوشت ظالمان چنین بیان میکند. "ظالمان هرگز رستگار و کامیاب نمیشوند." (قصص/۳۷) ، ما قطعاً ظالمین را نا بود میکنیم." (ابراهیم/۱۳)

این آیه قرآنی به دردناک بودن عواقب ظالمان اشاره میکند.

ظلم، شکنجه و خشونت در حق هیچ کس جائز نیست، شخص مظلوم هر کس که باشد فرق نمیکند، هیچ دلیل برای توجیه ظلم قابل قبول نیست، فلذا ظلم و شکنجه یک جنایت بشری است. حضرت پیامبر (ص) که بزرگترین مفسر قرآن کریم و مثال قرآن زنده است، در طول عمرش به هیچ موجود به هیچ شکل ظلم و خشونت نکرده است. در روز قیامت جان های کسانی بسیار میسوزد و درد میکشد که در دنیا به دیگران ظلم و شکنجه کرده اند (ابن حنبل، ج ۴، ص ۹۰)، در عین حال حضرت پیامبر (ص) فرموده است. "ظالمان به عذاب الهی گرفتار میشوند و مجازات میشوند" (مسلم، بر/۱۱۷).

جناب آن حضرت (ص) در مورد از بین بردن ظلم، شکنجه و خشونت در خانواده تاکید بیشتر نموده است. به هیچ نوع رفتار قوی و فعلی که باعث دوری و نفرت اعضای خانواده از همدیگر و باعث صدمه دار شدن حیثیت هر یک از آنها شود، اجازه نداده و ممنوع اعلان نموده است. به کسانی که زنان را مورد اذیت و خشونت قرار میدهند، هشدار

سنگین داده شده است (مسلم، جنت/۴۹)، آن حضرت (ص) همچنان فرموده است "شوهران که خانم های خود را میزنند، انسان های خوب نیستند"، (ابوداود، نکاح/۴۲ و ۴۱). همچنان جناب حضرت پیامبر (ص) فرموده است "کسانیکه به خردان ما شفقت و به بزرگان ما احترام نمیکنند از ما نیستند." (ترمذی، بر/۱۵) حضرت پیامبر (ص) با این رهنمایی خود بیان نموده است که شناختن شرف و حیثیت خرد و بزرگ، احترام و شفقت به آنها از لازمه های مسلمان بودن است.

### ج. دروغ و افتراء

راستی، درستی و اعتماد، اساس و جوهر احکام اسلامی را تشکیل میدهد. دروغ گو، فریبکار و وعده خلاف، تنها گنهکار نمیشود، در عین حال هم به شرف خود خیانت کرده و هم حیثیت مخاطب خود را هیچ حساب نموده و نادیده گرفته است. به اساس پیام قرآن کریم، دروغ نمی تواند از اخلاق مؤمن باشد، "تنها کسانی دروغ پردازند و افتراء میکنند که به آیات الهی ایمان ندارند، و خود آنها دروغ گویند هستند." (نحل/۱۰۵)

افتراء و تهمت بستن به دیگران هم حد اقل به اندازه دروغ مهلك و گنهكار كننده است. مسلمان به همان اندازه كه براي حفظ شرف و عفت خود مسؤل است، به همان اندازه براي حفظ عفت ديگران مسؤل است. تهمت كردن به انسان هاي درست و پاكدامن و با ناموس از جمله گناه هاي بزرگ شماريده شده است. در اين مورد اين هشدار الهی انسان را تكان ميدهد "بدون شك كساني كه به زنان پاكدامن و بی خبر (از همه جا) و با ايمان نسبت زنا ميدهند، در دنيا و آخرت لعنت شده اند و براي آنها عذاب دردناك خواهد بود. در روز قيامت زبان، دست ها و پاهایشان بر ضد آنان آنچه را كه انجام ميدادند شهادت ميدهند". (نور/۲۴-۲۳)

حضرت پیامبر(ص) فرموده است "به ناحق تهمت زدن، آبرو و شرف يك مسلمان را ريختاندن از جمله گناهان بزرگ است." (ابوداود، ادب/۳۵) جناب پیامبر(ص) با اين كلام خود امتش را از كثافت افتراء هشدار ميدهد. با منطف شايع به راه بينداز و مشكوك بساز حركت كرده و با آبرو و عفت انسان ها بازی نموده، شخصيت انسان ها را نزد خانواده و جامعه بی اعتبار بسازد اين عمل

وی گناه بسیار بزرگ بوده جزای سنگین دارد. در این دنیا ممکن است شخص مفتتری خود را به یک شکل از اشکال از جزا نجات بدهد، ولی نباید فراموش کرد که فرار از عذاب سنگین روز آخرت امکان پذیر نبوده و تحمل آن عذاب هم کار آسان نیست.

### د. غیبت و سوء ظن

یکی دیگر از رفتارها و پدیده های که به حیثیت و عفت انسان صدمه وارد نموده و خدشه دار میسازد، سوء ظن و بدگمانی است. انسان اگر از حقیقت یک قضیه آگاهی کامل نداشته به اساس گمان و ظن خود در مورد دیگران گمان بد و پیش داوری کند، روح برادری و صمیمیت را خدشه دار و لکه دار نموده و به روابط انسانی ضرر وارد کرده و در عین حال برای گنهکار شدن راه را باز میکند. در سوره حجرات خداوند (ج) برای اجتناب از سوء ظن چنین بیان کرده است، "ای مؤمنان! از گمان های بد بپرهیزید، زیرا که بعضی از گمان ها گناه است. (حجرات/۱۲) در مورد سوء ظن حضرت پیامبر(ص) هم چنین فرموده است، "سوء ظن دروغ ترین کلام است" (مسلم، بر/۲۸).

کسی که نه به اساس  
معلومات دقیق و یقینی  
بلکه به اساس، شبه و  
ظن حرکت میکند، اکثر  
اوقات به شرمندگی  
و سرافکندگی مواجه  
میشود.



کسی که نه به اساس معلومات دقیق و یقینی بلکه به اساس، شبه و ظن حرکت میکند، اکثر اوقات به شرمندگی و سرافکنندگی مواجه میشود. پس لازم است از کسیکه در حقش گمان بد کرده حیثیت و حقوقش را پایمال نموده بخشش بخواهد. اگر تنها به سوء ظن اکتفاء نکرده، بلکه ظن و شبه خود را با دیگران هم شریک ساخته و در مورد غیبت هم نموده، موضوع به مراتب به حالت وخیم و سنگین تبدیل میشود. خداوند (ج) در مورد وخامت غیبت چنین فرموده است: "در مورد یکدیگرتان تجسس و غیبت نکنید، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت مرده برادرش را بخورد؟ قطعاً از آن نفرت دارید." (حجرات/۱۲).

سوره حجرات در قرآن کریم نسبت به سوره های دیگر به موارد روابط انسانی و فضائل اخلاقی بیشتر تماس گرفته و به موارد اخلاقی پرداخته است. بناء در این مورد در می یابیم، استهزا، تمسخر و لقب گذاشتن ممنوع اعلان شده است. در عین حال کسانی که به اثر استهزا تمسخر و لقب گذاشتن به دیگران مرتکب گناه شده است به توبه دعوت شده است. کسانی که از این اعمال خود



پشیمانی ننموده و توبه ننمایند از جمله ظالمان محسوب شده است (حجرات/۱۱).

پیامبر (ص) همچنان تمثیل حرکات دیگران را به قصد تمسخر و استهزا بد توصیف نموده و چنین بیان شده است "نمیخواهم تمثیل حرکات دیگران را انجام دهم ولو که در برابرش تمام دنیا را به من بدهند." (ترمذی، صفت القیامه / ۵۱)

### نتیجه: خود مان را مورد بازپرس و بازجویی قرار بدهیم.

یکی از حقایق واضح و آشکار این است که نفس بسیار ماهر و زیرک است. به همین دلیل هر زمان خود را حق بجانب و دیگران را مجرم و گنهکار قلمداد میکند. از همین رو بزرگان گفته اند، یک سوزن به دیگران بزنیم یک جوالدوز به خدمان. اصلاً این نصیحت، مربوط به محاسبه نفس است. به تعبیر امروزی عبارت از کنترل خودی است. به این اساس پس از بازرسی، بازجویی و مورد سوال قرار دادن خودمان، از جواب دادن به این سوالات نپرهیزیم:

آیا همین انسان را که خداوند (ج) خلق کرده، کرامت و شرف برایش داده، ما هم در زندگی

همان شرف را که انسان مستحقش است رعایت میکنیم؟

وقتی از حیثیت، احترام، عفت و حرمت در میان انسان ها سخن به میان آمده و مطرح باشد، همین انسان از مادر، پدر، خانم، اولاد، برادر، خویشاوند، دوست، شناس و نا شناس متشکل است. آیا این اوصاف و روابط فوق الذکر در رفتار و نگرش ما به آنها تأثیر پذیر است یا خیر؟

یک سلسله رفتار و سلوک دیگران را در قبال خودمان دوست نداریم، آیا از رفتارها و عمل کرد خودمان که مورد پسند دیگران نیست تا حال جلوگیری کرده ایم و عین حساسیت را در قبال دیگران مد نظر گرفته ایم؟

در تعریف مسلمانی، و مؤمنیت ما، حضرت پیامبر(ص) چنین فرموده است "مسلمان عبارت از کسی است که انسان ها از دست و زبانش در امان بوده باشند. و مؤمن عبارت از کسی است که از جانب آن به مال و جان دیگران امکان تعرض متصور نبوده و انسان ها از این ناحیه مطمئن باشند. (نسائی، ایمان/۸) آیا در این معیار که از طرف پیامبر(ص) تعیین شده برابر هستیم یا خیر؟

از یک طرف پاسخ های را که به این سوالات دادیم در ترازوی وجدان گذاشته سنجش میکنیم. از سوی دیگر اگر کسی را که آبرویش را ریختانده باشیم، یا با حیثیت و شرفش بازی نموده باشیم، قبل از رسیدن روز حساب در همین دنیا، عفو خواسته و حقیقت را برسانیم. در غیر آن صورت بدانیم که در دنیا رسوا و در آخرت هم رسوا هستیم. باید این هشدار پیامبر (ص) را دستور و خط مشی زندگی خود قرار بدهیم:

"خداوند (ج) رحمت کند، کسانی را که حق برادرش را از ناحیه مال و حیثیت در همین دنیا محاسبه و پرداخت نموده است. زیرا در روز قیامت نه درهم پیدا میشود نه دینار. اگر از شخص مدیون از حقوق دیگران، مزد خوبی هایش وجود داشته باشد، برای کسانی که حقوق شان را پرداخت ننموده، داده میشود. اگر مزد خوب و ثواب هیچ نداشته باشد. گناه های همان شخص بالای همین شخص انداخته میشود." (ترمذی، صفت القیامت/۳)